

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ملک الشعراء
استاد محمد نسیم "اسیر"
۱۶ دسمبر ۲۰۱۳

قند آلوده با زهر!!!

بریتانیای کبیر «؟»، از دوران زمامداری و حکمرانی استعماری خود در قاره هند، دو مصیبت را برای ما بجا گذاشت، یکی مدرسه دینی بنیادگرای «دیوبند» و دیگری وسوسه فکری افتخارزدای «دیورند» که هر دو از بدو تأسیس برای ما، هنگامه ساز و مصیبتبار بوده است. مدرسه دیوبند، با تربیه و اصدار ملا و عالم دین در مساجد و منابر شهرها، دهات و قصبات افغانستان، نه تنها تبلیغ دین به شیوه خیلی بنیادی و خشن، بلکه بعضا جاسوسی و سیاست هم میکردند، که تاریخ پر فراز و نشیب ما شاهد چنین ملاحی صادر شده از آن طرف سرحد بوده است. معاهده دیورند نیز بخش عظیمی از خاک ما را چون پاره دل، از ما جدا و جزء خاک دیگران ساخته است. امروز پاکستان این دو پدیده را میراث پدری شمرده و چون دو حربه خونین، با ظالمانه و نامردانه ترین شیوه در برابر ما استعمال میکند. مدرسه دیوبند را به هزاران مدرسه قرآن، در سراسر پاکستان انکشاف داده و اطفال بی گناه را آدمکش و انتحاری و جاسوس تربیه نموده و بنام طالب برای کشتار بی گناهان به افغانستان میفرستد و هر روز از ما قربانی میگیرد. سرزمینی را که بنام ماورای خط دیورند مشهور شده است، جزء لاینفک خود شمرده و تلاش دارد اوضاع را توسط گماشته های خود از جمله طالبان، چنان مغشوش و تحت الشعاع قرار بدهد، و یا به اصطلاح ما را با گیر و دار انتحاری و بمهای کنار جاده طالبان، چنان بخود مشغول بسازد که ازین حق مسلم خود به سطح جهانی منصرف گردیم و برادرگویان ساز یک طرفه را زیر نام شورای صلح بنوازیم. شعر ذیل با همین درد، سروده شده است :

یکی "دیوبند" و دیگر "دیورند" است
یکی بند کسم و کیف دیانت
دگر بند فروش خاک میهن
ازان، در کشتن مردم گسرفتار
اساس زندگی در کشور ما
هم از همسایه بی مایه دون
ازین هردو، ز عمری شد که بر ما
یکی میخندد، اما در حقیقت
به قندی میفریبد، لیک زهر است
سخن میگوید، اما پُر تکلف
قدم چون طفل نوپا میگذارد
تلاش بی سبب دارند، اصلا

گسرفتاری ما با این دو بند است
که در قید ملای «دیوبند» است
که از داد و گرفت «دیورند» است
ازین، تاج غرور ما نژند است
ز هردو، ناگوار و ناپسند است
ز شرق و غرب آزار و گزند است
همه در قید و بند و مستمند است
نهادش دشمنی با نیشخند است
به زهری میگذد، گوید که قند است
کلامش سر بسر پوچ و چرند است
عجب شورای صلح ریشخند است
نمیدانند، مقصد چون و چند است

«اسیر» این گفته را دشمن بداند

که چشم ما به خط دیورند است

(م. نسیم «اسیر» - فرانکفورت، ۲۷ می ۲۰۱۳م)